

روند ضرب سکه در حکومت یونانی باختر از ابتدا تا سقوط

نعمت‌اله علی‌محمدی*

دکتری رشته تاریخ دانشگاه تهران

محرم باستانی

کارشناس ارشد رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۹۹ تا ۱۱۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۷/۱۶؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۰۸/۲۶

چکیده

سکه و روند ضرب آن به عنوان یکی از شاخص‌های تمدن به حساب می‌آید که در ادوار تاریخی دچار تغییر و تحول می‌شوند. شدت ضعف و قوت حکومت‌ها در روند آنها تأثیری به‌سزای داشته است؛ به طوری که در یک زمان در نهایت زیبایی و کیفیت ظاهر می‌شوند و در زمان دیگر رو به افول می‌روند. بررسی تغییر و تحول روند ضرب سکه هر یک از دوره‌های تاریخی، مسائل متعدد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی را دربر می‌گیرد، از این رو سعی شده است ضمن بررسی روند ضرب سکه در حکومت یونانی و باختر، ابعاد مختلف تغییر و تحول آن بر اساس نظریه ظهور و سقوط تمدن با رویکرد و الگوی نظری ابن خلدون و توین‌بی مورد بررسی قرار گیرد تا برخی از پیچیدگی‌ها و ابهامات تاریخی موجود این دوره برطرف گردد.

واژه‌های کلیدی: سکه، حکومت یونانی باختر، سلوکیان، ایران، خط خروشتی

*نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول مقاله: n.alimohammadi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

بشر در جهت ترقی در تجارت و ارج نهادن به فعالیت مادی و معنوی خود پول را اختراع کرد و برای دوام بیشتر و ارزش دادن به آن سعی کرد که بهترین و بادوام‌ترین شیء را برای آن در نظر گیرد. از این رو فلز به سبب دوام و مقاومت بالا در شرایط متنوع طبیعی و همچنین سبکی و کم‌حجم بودن آن در داد و ستدها به کار گرفته شد. سکه و روند ضرب آن به عنوان یکی از شاخص‌های تمدن به حساب می‌آید که در ادوار تاریخی با ضعف و قوت گرفتن حکومت‌ها در فراز و نشیب‌های زمان تغییر و تحول زیادی پیدا کرد و اطلاعات بسیاری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی مذهبی را در خود ذخیره نمود، به همین سبب بررسی این شیء با ارزش می‌تواند به پژوهشگران و محققان در روشن شدن تحولات جریان‌ساز تاریخی کمک شایانی نماید. امروزه در مورد سرنوشت تمدن‌ها و روند شکل‌گیری، توسعه، تکامل و یا افول آنها دو رویکرد و دو روایت کلان در حیطه اندیشه سیاسی وجود دارد. این دو روایت کلان را می‌توان به اختصار «حرکت خطی» و «حرکت دوری» تاریخ حکومت‌ها دانست. اندیشمندان سیاسی معتقد به حرکت خطی تاریخ هستند و بر این نوع تفکر اصرار می‌ورزند و معتقدند رویدادهای عمده دوران‌ساز تاریخی، روندی روبه‌رشد و تکاملی را طی می‌نمایند و هر دوره، با تکمیل و پیشرفت نسبت به دوره قبل، ارباب تاریخ را به سوی منشاء اصلی سوق می‌دهد. برجسته‌ترین نماد و بارزترین الگوی نظری اندیشمندان معتقد به تکامل خطی را می‌توان در آرای هگل، فیلسوف شهیر آلمانی یافت؛ هگل معتقد بود، روح کلی که نماد آن عقل مطلق است در بستر تاریخ جاری می‌شود و رویدادهای دوران‌ساز تاریخی، از قبیل ظهور و سقوط تمدن‌ها، تظاهرات و پدیدارهایی هستند که روح کلی خود را در بطن این رویدادها نشان می‌دهند. هر قدر که به دوران‌های متأخرتر و تمدن‌های جدیدتر می‌رسیم، روح کلی بیشتر به سرمنزل مقصود نزدیک می‌شود. در مقابل رویکرد معتقد به تکامل خطی تاریخ و تمدن‌ها، پاره‌ای از اندیشمندان مانند ابن خلدون، نظریه تکامل دوری و سیکلی تمدن‌ها را مطرح کرده‌اند و بر این باوراند که هر تمدن مانند یک ارگانیسم زنده است که در بستر تاریخ دستخوش تولد، توسعه، استقرار، افول و اضمحلال می‌شود و به جای آن تمدن‌های دیگری که نسبت صحیح‌تری با الزامات زمان برقرار کرده‌اند، می‌توانند پا به عرصه وجود بگذارند (ابن خلدون، ۱۳۴۵: ۲۶۹). ابن خلدون به جوامع و ماهیت رهبری و دولت، چگونگی تحول جوامع ساده به جوامعی پیچیده‌تر و نحوه فروپاشی پایانی آنها توجه می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۴۵: ۲۷۲-۲۷۳). با توجه به موارد بالا، نظریه ابن خلدون از چند مشخصه اساسی مانند پیروزی اولیه، دامنه، بسط نفوذ استقرار، ثبات و آسودگی، تمتع و بهره‌مندی، و سرانجام افول، پیروی می‌کند که به راحتی در سیر حرکتی تمدن‌ها و شاخص‌های تمدن ملموس است.

ابن خلدون معتقد است که برای درک حقیقت، تاریخ‌نویسان باید به اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مادی که شکل‌دهنده تمدن‌ها هستند، توجه کنند و واقعیت و قوانین حاکم بر آن را دریابند؛ معلول‌هایی که در بستر تاریخ این دوره وجود دارند از عوامل مبهم و پیچیده منشعب شده‌اند و برای دستیابی به این عوامل و درک درست از ماهیت آنها، به تعمق و نگرش دقیق و ژرف‌بینانه نیاز دارند تا عوامل، زمینه‌ها و بسترهای شکل‌دهنده حوادث را - که از پی یکدیگر به منحصه ظهور می‌رسند - دریابند و از سطحی‌نگری، پرهیز کنند. تغییر و تحول روند ضرب سکه یکی از فرایندهای جدایی‌ناپذیر هر حکومت است که در مسیر تاریخ دچار افت و خیزهایی می‌شوند. بررسی تغییر و تحول روند ضرب سکه در باختر می‌تواند

موضوعی باشد تا با رویکردی جامع و جدید تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مادی را مورد بررسی قرار دهد و افزون بر آن تغییر ساختار حکومت باختر را با نگاهی به علت و معلول آن روشن سازد. این مسئله، مقاله حاضر را بر آن داشته تا برای روشن تر شدن سیر و روند ضرب سکه و تهیه و توزیع آن در دوره ۱۳۰ حکومت باختر به بررسی، کاوش و پویش در منابع و مآخذ و تحقیقات و پژوهش‌های حاضر بپردازد؛ با این سؤال که روند ضرب سکه، تهیه و توزیع آن، از ابتدای شکل‌گیری حکومت یونانی باختر تا سقوط چه تغییر و تحول و فراز و نشیب‌هایی را پشت‌سر گذاشته است؟

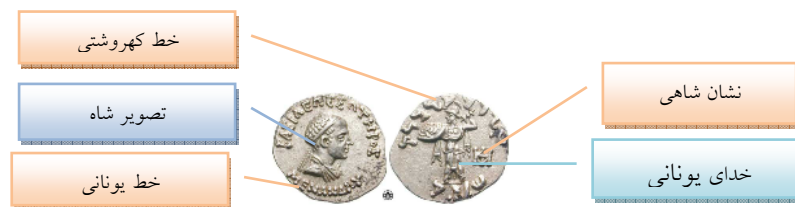
۲. سکه و روند ضرب آن در دوره شکل‌گیری حکومت یونانی باختر

دانش سکه‌شناسی اطلاعات عمده‌ای را از وضعیت قلمرو حکومت یونانی باختر در آسیای مرکزی ارائه می‌دهد و در حقیقت بایستی گفت که محقق یا پژوهشگر می‌تواند با مطالعه سکه‌ها، امکان بازسازی رئوس کلی تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی این حوزه را فراهم کند. سکه‌های یونانی باختر، مانند سکه‌های سلوکی به صورت نقره‌ای ضرب شده‌اند. سکه‌های طلا تنها در موارد استثنایی ضرب می‌شده است؛ این سکه‌ها منحصر به سکه‌های سلطنتی بوده که با الگوبرداری از سایر سکه‌های متداول ضرب می‌شده‌اند، حتی سکه‌های مفرغی که در داد و ستدهای معمولی کاربرد داشتند از این روال مستثنی نبوده‌اند (برنارد، ۱۳۷۴: ۱۴۸-۱۴۹). سکه‌های یونانی باختر را بر اساس تقسیمات مشخص جغرافیایی می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. **سکه‌های شمالی (باختری):** این نوع سکه در نواحی شمالی هندوکش تحت تابعیت یونانی باختر ضرب می‌شد و تقلیدی از سکه‌های سلوکی^(۱) بود (برنارد، ۱۳۷۴: ۱۴۸-۱۴۹-۳۹۱: Rapson, 1962). چنان‌که از شواهد بر می‌آید، این سکه‌ها شکل و ظاهر یونانی داشت، به طوری که هر سکه یک‌درهمی ۴/۴ گرم و هر سکه سه-درهمی ۱۷/۵ گرم وزن داشت و معمولاً نام پادشاه با خط یونانی بر روی آن درج می‌گردید. (برنارد، ۱۳۷۴: ۱۴۹). در بخش‌های جنوبی هندوکش سکه‌های هند - یونانی ضرب می‌شد به طوری که وزن کمتری نسبت به معیارهای یونانی داشتند. (برنارد، ۱۳۷۴: ۱۴۹) این سکه‌ها به سکه‌های هندی بیشتر شبیه بودند؛ به طوری که نشانه‌های محلی و بومی روی سکه نشان‌دهنده این مسئله است.

۲. **سکه‌های شرقی (هند یونانی):** این سکه‌ها معمولاً دو زبانه هستند؛ بخشی از نوشته‌های آن به خط یونانی و یا رومی و بخش دیگر آن ترجمه همان نوشتار به زبان پراکرتی (Prakrit) یا همان کپروشتی (Kharoshti) است که توسط استادکاران یونانی باختر زینت‌بخش سکه‌ها شده است. از این نوع سکه‌ها بیشتر سکه‌های یک درهمی در دست است که گاهی مانند سکه‌های قدیمی هندی با علامت فشرده چهارگوش ضرب می‌شدند. ضرب سکه‌های هند و یونانی به این سبک از زمانی که هند توسط فرماندهان یونانی باختر مانند مناندر تصرف گردیده، آغاز شد، به طوری که تاریخ ضرب آنها به بعد از سال ۱۸۰ ق.م بازمی‌گردد. این روند حتی تا بعد از سقوط حکومت یونانی باختر در شرق، مقارن با دوران استراتو دوم (سال ۵۵ ق.م)، ادامه داشت (برنارد، ۱۳۷۴: ۱۴۹). نخستین سکه‌هایی که به دو زبان یعنی یونانی و کپروشتی متداول و مرسوم بود، سکه‌های مسی گرد دمتریوس اول است. (Whitehead, 1914: 5). با راه‌یابی صنعت ضرب سکه از هند، چین، یونان و ایران به باختر، تحول مناسبی در ضرب سکه شاهان یونانی باختر به وجود آمد. آنان با الگوبرداری

مناسب از شاهان سلوکی آن را کامل‌تر کردند (Sehayler, 1958: 409- Madonald, 1903: 92-93-94)؛ علاوه بر راه‌یافتن خطوط یونانی و کهروشتی، خط سوم با نام هندی (سانسکریت) هم در جرگه سبک نوشتاری سکه‌های یونانی باختر وارد شد. در دوران شاهان اولیه یونانی باختر ضرب سکه طلا رایج بود؛ با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی تعدادی از این سکه‌ها به دیودوتوس دوم باز می‌گردد؛ به طوری که از مستندات تاریخی برمی‌آید او قصد داشت نمایشی از ثروت خود را به تصویر بکشد و در این دوران برای اولین بار مسکوکات نیکلی در دنیا ظاهر شدند (فاضل، ۱۳۲۸: ۹) که تا حدی بیانگر رشد و گسترش صنعت ضرب سکه در باختر است. بعدها با آمدن استادکاران ماهر از سایر نقاط به باختر تحول خوبی در امر سکه به وجود آمد، به طوری که چهره‌پردازی‌های برگرفته از تصور و خیال استادکاران روی سکه‌ها نقش بست و زیبایی و لطافت خاصی به سکه‌ها بخشید؛ افزون بر این سکه تصویر شاهان یونانی باختر در کنار تصویر خدایان یونانی تجلی پیدا کرد. شاهان باختر با به‌کارگرفتن هریک از این تصاویر سیاست خاصی را دنبال می‌کردند (Rapson, 1962: 391 - فاضل، ۱۳۲۸: ۱۳ - کهاد، ۲/ ۱۳۸۴: ۳۵۸).



شاهان اولیه یونانی باختر تصویر زئوس^(۲) را بر روی سکه‌های خود ضرب کردند، درحالی که شاهان بعدی هراکلس را به عنوان نمادی از سکه‌های خود برگزیدند. در دوران آکراتیدس شکل و تصویر آپولون (رب‌النوع طوفان و طبابت) جانشین تصاویر قبلی گردید. هرچند در دوران اوتیدموس تصویر هراکلس^(۳) به عنوان رب‌النوع حامی خاندان وی نسبت به سایر تصاویر ترجیح داده شده است، این مسئله نشان می‌دهد که تمام خدایان اساطیری یونانی در باختر از محبوبیت خاصی برخوردار بودند. بعدها تصاویر شاهین، اسب و فیل بر روی سکه‌های شاهان یونانی باختر نقش بست که هر یک از این نمادها معانی خاص خود را داشتند که تا حدی بازتابی از تفکر و اندیشه شاهان یونانی باختر از قدرت و سلطنت‌شان بود (Gardner, 1914: 19). این روح و تفکر معمولاً از طریق شاهان به استادکاران انتقال پیدا می‌کرد که آنان با ژرف‌اندیشی و ظرافتی تمام، معانی مورد نظر شاه را بر سکه‌ها نقش می‌کردند. سکه‌های شاهان یونانی باختر در کل میراث‌خوار نظام مالی و پولی یونانیان، خاصه سلوکیان بود که تقریباً با نظام مالی و پولی دوران اسکندر برابری می‌کرد (Whitehead, 1914: 5-6- Comstock, 1969: 109-110). بهترین مدعا برای اثبات این امر سکه‌های دیودوتوس اول است که در یک طرف آن سر ناشناس و در طرف دیگر تصویر هراکلس (Herakles) یا هراکل (Herakl) با گریزی در دست، قرار دارد که با خط یونانی به صورت عمودی نوشته شده است. برخی از سکه‌های دیودوتوس اول به صورت طلا ضرب شده و نسبت به سکه‌های دیگر از وزن سنگین‌تری برخوردار است که تقریباً از نظر شکل با سکه‌های طلایی آنتیوخوس دوم برابری می‌کند و حتی شاید بتوان گفت از روی آنها الگوبرداری شده است. بر روی سکه‌های نمونه‌برداری شده سر شاه قرار دارد و پشت سکه تصویر لخت و برهنه زئوس که سرپا و به پشت ایستاده و صورتش را به طرف چپ برگردانده است. او در حقیقت در حال پرتاب کردن نیزه‌ای تصویر

شده که روی بازوی راستش حلقه نورانی و بر روی بازوی چپش یک سپر خالی قرار دارد (Wilson, 1842: 218, 219). در طرف دیگر سکه، تاج و در قسمت پایین شاهینی سرپا ایستاده است. سکه‌های ضرب شده در باختر به نحوی داستان قیام باختر را تداعی می‌کنند؛ این شواهد و مدارک سکه‌شناسی حتی در زمان آنتیوخوس دوم نشان می‌دهد که دیودوتوس قبلاً سکه‌هایی برای خود ضرب کرده و در این سکه‌ها، سعی کرده است خود را جزئی از خاندان سلوکیان معرفی نماید (Ramsey, 2005: 47-). Comstock, 1969: 110, 113). سکه‌های ضرب شده دیودوتوس اول شباهت زیادی به سکه‌های آنتیوخوس دوم دارد. این سکه‌ها به صورت عالی ضرب شده‌اند و سکه‌های طلایی دیودوتوس دقیقاً به سبک و سیاق سکه‌های آنتیوخوس دوم است. سکه‌های متعددی از دیودوتوس دوم موجود است که او را با یک نیم‌تاج که نمادی از شاهان بوده نشان می‌دهد و حتی سکه‌هایی که قبلاً با تصویر خود او ضرب شده، او را در قالب یک شهربان مصور می‌سازد (Selby, 1833/41: 275). بررسی تصاویر بر روی سکه‌های ضرب شده دیودوتوس، مشکلاتی را برای باستان‌شناسان و مورخان به وجود آورده است، زیرا در تمامی سکه‌های طلا و نقره تصویر زئوس با سر نورانی مصور شده و در طرف دیگر طرحی از آنتیوخوس و یا دیودوتوس را در خود دارد و در کنار آن یک واژه به نام «راگید» (Raged) به معنی «پیر و سالخورده» یا جوان را یدک می‌کشد. اگر به این گزارش ژوستین مستند شود در آن گزارش، ژوستین پسر دیودوتوس اول را با پدرش همانام می‌داند (Selby, 1833/41: 275)، از- این‌رو می‌توان دریافت، اساس و پایه اصلی تصویر این سکه‌ها (یعنی تصویر شاه جوان و پدرش) از تصویر آنتیوخوس دوم الگوبرداری شده است و با این تفاوت، دیودوتوس سالخورده علاوه بر نام خود، تصویر آنتیوخوس دوم را بر روی سکه‌های خود ضرب کرده؛ در حالی که دیودوتوس جوان فقط نام خود را ضرب کرده و از آنتیوخوس نامی نبرده است (Narain, 1957: 16, 17- - Selby, 1833/41: 275- Gardner, 1914: 19- Mitchiner, 1975: 36 – Kovalenko, 1995, 1996: 75 – krit, 2007: 7). بررسی القاب سکه‌های دوران پایانی دیودوتوس اول نشان می‌دهد که حداقل دو سکه از میان سکه‌های ضرب شده او به صورت کارگاهی بوده که توسط چند استادکار ضرب شده‌اند، چنان‌که در دوره بعد شمار این نوع سکه‌ها در قلمرو حکومت یونانی باختر افزایش یافته است. تنوع این سکه‌ها به دوره‌های تاریخی و تحولات عمده آن باز می‌گردد. این تحولات در ضرب سکه‌ها، رنگ و شکل آنها تأثیر زیادی داشته و در کل سکه‌های دیودوتوس با سبک و سیاق آنتیوخوس دوم به دو دسته تقسیم می‌شوند:

سکه‌های نقره‌ای: آن دسته از سکه‌های هستند که نشان می‌دهد دیودوتوس هنوز والی شهربان باختر

بوده است.

سکه‌های طلا: آن دسته از سکه‌هایی که به دوران اعلام استقلال او برمی‌گردد (Wilson, 1842: 218).

بنا به نظر گاردنر، این سکه‌ها به عنوان اولین نشانه‌های شورش او به حساب می‌آیند (Gardner, 1914: 19) که در آن وی به عنوان رهبر شورشیان معرفی می‌شود و این امر بدان معنی است که ابن خلدون در مراحل سیر تمدنی به آن اشاره می‌کند؛ که تمدن‌ها در ابتدای شکل‌گیری‌شان از تمام امکانات موجود استفاده می‌کنند تا به مرحله‌ای از ثبات برسند.



چنان‌که اشاره شد، یکی از ویژگی‌های مرحله اول ضرب سکه در باختر، الگوبرداری از سکه‌های سلوکی است که یک طرف سکه‌ها با خطوط یونانی به صورت عمودی و طرف دیگر، با تصویر زئوس یا هراکلس آراسته شده است؛ و همچنین شکل و ظاهر آنها به صورت گرد بوده و در پشت سکه تصویر زئوس یا هراکلس با نیزه و در روی سکه هراکلس با سپری ایستاده روبه‌رو یا ایستاده به پشت مصور شده و غالباً در تمامی سکه روال به همان صورت ادامه داشته است. اگر با تعمق بیشتری به این روند توجه شود می‌توان دریافت که خدایان یونانی از هرگونه پوشش عاری هستند و هریک از آنان در بالای سر حلقه‌ای از نور را با خود دارند. در قسمت پایین، زیر پای چپ هراکلس، تصویر شاهین که نمادی از مظهر قدرت است، وجود دارد. شاه باختر به منظور رسمیت دادن به حکومت یونانی باختر با تصویر کردن خدایان یونانی در یک طرف سکه و همچنین بازنمایی گسترش قدرت شاهان باختر به تمام نقاط امپراتوری، با مصور کردن تصویر خود و شاهین، تجلی اندیشه خود را بر روی سکه از طریق استادکاران سکه بیان کرده است، به طوری که آراستگی ظاهری سکه‌ها در دوره‌های تثبیت و اوج و انحطاط حکومت با یکدیگر متفاوت است.

۳. سکه و روند ضرب آن در دوره تثبیت و اقتدار

بعد از دیودوتوس دوم، اوتیدموس در رأس قدرت قرار گرفت (Rawlinson, 1969: 57, 58- Gardner, 2005:) و خاندان دیودوتوس از صحنه سیاسی باختر حذف شدند (Strabo, 1961/2: 253). او به تقلید از دیودوتوس اول و دوم و با الگوبرداری از سکه‌های آنتیوخوس دوم به ضرب سکه طلا اقدام کرد تا موجودیت حکومت باختر را به جهانیان اعلام نماید. شاه سلوکی زمانی که دریافت در مرزهای شرقی او دولت مستقل پا به عرصه وجود گذاشته است، با طرح پیشنهاد صلح، موقتاً غائله با روم را کنار گذاشت و با سپاهی بزرگ به طرف شرق رهسپار شد. اوتیدموس در آغاز مقابل آنتیوخوس مقاومت کرد، ولی سپاه او یارای مقابله با سپاه سلوکی را نداشت و درهم شکسته شد و سعی کرد با پیشنهاد صلح شاه سلوکی را به خود جلب نماید. از این رو آنتیوخوس دوم، اوتیدموس را به سبب اعلان استقلال مورد بازخواست قرار داد، ولی بنا به دلایلی او را مورد نوازش قرار داد و سعی کرد با او مدارا نماید. آنتیوخوس در این برهه از زمان دریافت به سبب مشکلاتی که در مرزهای غربی با روم دارد نمی‌تواند در یک زمان هم از مرزهای شرقی و هم از مرزهای غربی حکومت سلوکی دفاع کند، از این رو به منظور حفظ مرزهای شرقی از حمله سکاها حاکمیت نسبی باختر را پذیرفت (Wilson, 1842: 221). آنتیوخوس بعد از پایان یافتن مشکلات مرزهای غربی و قبول شکست در مقابل روم به منظور جبران مافات گذشته و همچنین گسترش مرزها و رفع سرخوردگی شکست از روم، به طرف شرق رهسپار شد. او با کمک اوتیدموس توانست اشکانیان را در مرزهای خود زمین‌گیر سازد و با استفاده از نیروی

کمکی اوتیدموس و عاریت گرفتن فیلهای جنگی از بخشهای هند، دامن I متصرفات حکومت سلوکی را تا آن سوی هند گسترش دهد (Tarn, 1966: 138). علاوه بر آن اوتیدموس نیروهایی جهت تقویت سپاه آنتیوخوس فرستاد تا او بتواند کشورگشایی خود را در هند کامل نماید.

آنتیوخوس به هنگام بازگشت از هند، تمامی ایالات فتح شده را به هم پیمانش (اوتیدموس) واگذار کرد و در همان زمان خواهر خود را به ازدواج دمتریوس پسر اوتیدموس درآورد. از این زمان به بعد تمامی حاکمیت منطقه شرق به اوتیدموس و پسرش واگذار شد. از اوتیدموس علاوه بر سکههای طلا، سکههای زیاد دیگری به جای مانده است. این سکهها با کیفیت عالی ضرب شدهاند و بسیار متنوع هستند (Wilson, 1842: 222). سکههای اوتیدموس از لحاظ طرح و الگو بسیار زیبا و از لحاظ جنس فلز خالص میباشند. چنانکه اشاره شد این سکهها به تقلید از سکههای قبلی در باختر ضرب شدهاند. سکههای نقره‌ای اوتیدموس تقریباً بدون استثناء در قسمت شمال هندوکش، در قهندز، (بلخ و بخارا) و همچنین در حوزه باختر یافته شده است که تا حدی نشاندهنده حوزه نفوذ این حکومت در منطقه می باشد (Wilson, 1842: 222). شمار زیادی از سکههای مسی هم از اوتیدموس در قسمت جنوب کوههای منطقه بگرام پیدا شده و حدس زده می شود، این سکهها توسط تجار و از طریق دادوستدهای بازرگانی به منطقه بگرام رسیده باشند. بر روی تمامی سکههای پیدا شده اوتیدموس، عنوان شاه به خوبی به تصویر کشیده شده است و در یک نمونه از سکههای نقره‌ای او، شاه بدون تاج است، اما سربند هندی و پارسی بر روی پیشانی او بسته شده که به معنی پادشاه است، این چهرهها به صورت نیمرخ و با صورتی صاف و بدون ریش مصور شده است (Wilson, 1842: 223).



در نمونه دیگر از سکههای اوتیدموس، تصویر شاه با ریش مصور شده است و ظاهراً به این معنی است که آنها از سر زئوس (Jupiter) برای شاه الگوبرداری کردهاند. در سکههای نقره‌ای اوتیدموس، تصویر هراکلس طوری نشان داده شده است که لباسی بر تن ندارد و بر روی صخره‌ای سنگی نشسته است (Wilson, 1842: 222). این تصویر از جمله شواهدی است که نشان می دهد، سکهها به همین صورت در شهرهای یونانی ضرب می شدهاند و به راحتی می توان این نشان را بر روی سکههای آنتیوخوس (تئوس) در سلوکیه یافت. از این رو سکههای اوتیدموس را می توان به سه دسته عمده تقسیم کرد: سکههای طلایی، سکههای نقره‌ای، سکههای مسی. در تمامی سکهها، طرحها و نمونههای شاهان سلوکی، خاصه آنتیوخوس (تئوس) الگوبرداری شده است (Wilson, 1842: 222).

در سکههای طلایی، سر شاه در سمت راست قرار دارد. در این تصویر سر شاه بدون تاج است و سربندی بر سر دارد، در پشت سکه، هراکلس به صورت برهنه و عریان دیده می شود، در حالی که بر روی صخره‌ای نشسته و دست چپ او خالی است و در دست راست او گریز قرار دارد و یک کوبه سنگ به صورت یکپارچه در پشت سر او قرار گرفته است. این سکه نمونه‌ای کاملاً بی نظیر است و نخستین تصویری است که از اوتیدموس به نمایش درآمده است. از نشانه‌های این سکهها زیبایی بی‌وصف آنهاست که طراحان سکه با

هنرنمایی خاص جلوه بی‌نظیری به آن بخشیده‌اند. تصاویر در نهایت زیبایی، صاف و روشن، با خطوطی خوانا، بدون ناهمواری و به صورت کاملاً گرد ضرب شده‌اند و این امر نشان‌دهنده ثبات دولت و اقتدار آن است و طراحان بدون دغدغه آن را با هنرنمایی تصور کرده‌اند که با دوره دوم و سوم نظریه ظهور و سقوط تمدن‌ها همخوانی دارد. به طوری که این روند بیانگر این است که جامعه ساده باختر در یک یا دو دهه تلاش و کوشش حاکمان با الگوبرداری از سایر حکومت‌ها، از یک جامعه کاملاً سنتی، عشیره‌ای و شبانی به سوی جامعه‌ای پیچیده با سازمان‌ها و مؤسسات مترقی گام نهاده است. سکه‌های اوتیدموس از نظر شکل، کتیبه‌ها و تصاویر با یکدیگر متفاوت هستند. در کل نشستن هراکلس بر روی سکوی سنگی که در پشت سرش قرار دارد و همچنین وضعیت قرار گرفتن پوست شیر در دستش، همگی از وضع موجود تبعیت می‌کند. (Madonald, Kurt, 1943/25:304-1907/27: 158) در ارزیابی کلمات و حروف می‌توان دریافت که این سکه‌ها برای یونانیان یا کسانی که به زبان یونانی مسلط هستند، ضرب شده است. در برخی از سکه‌ها نوشته‌ها دارای اشکالاتی فراوانی هستند و شاید بتوان گفت که ظاهر سکه‌ها نشان می‌دهد که این سکه‌ها متعلق به دوران اوتیدموس می‌باشد. نوع دیگر از سکه‌های اوتیدموس، مسی، در اندازه متوسط، و گرد است که سر شاه در سمت راست و بدون تاج قرار گرفته است و در پشت سکه، اسبی در حال چهارنعل دویدن مشاهده می‌شود (Wilson, 1842:222- Whiteead, 1914:10-11).

تمامی سکه‌های مسی چه در اندازه بزرگ و چه در اندازه کوچک این عصر از لحاظ طرح، نحوه قرار گرفتن آنها، نوع آرایش، تزئین و علامت‌های معروف سکه‌شناسی، شبیه به سکه‌های نقره‌ای اوتیدموس است. اما ویژگی آنها و همچنین شرح و توصیفات در مورد سر شاه خیلی متفاوت‌تر از سکه‌های نقره‌ای می‌باشد (Wilson, 1842:222). به دلیل کوچکی تصاویر شاه بر روی سکه‌ها، گاهی در تشخیص آنها اشتباه پیش می‌آید و تصویر شاه را از خدایان نمی‌توان جدا کرد (Wilson, 1842:226-227- Whiteead, 1914:10-11). با این وجود، شکل‌ها و تصاویر ضرب‌شده خدایان یونانی بر روی سکه‌های اوتیدموس نشان‌دهنده تأثیر هنر و صنعت ضرب سکه یونان و تجلی آن در هنر یونان باختری است (Gauganath, 1920: p.15,16)؛ و شاید بتوان گفت یکی دیگر از ویژگی‌های سکه‌های این دوران، تک‌تصویر بودن سکه‌ها است که تصویر شاه در اولویت قرار دارد. درحالی‌که، در دوره‌های بعد تصویر دوتایی و حتی تصویر زنان دربار بر روی آنها نقش می‌بندد.

بعد از اوتیدموس، فرزندش دمتریوس عهده‌دار حکومت گردید. از دمتریوس سکه‌های زیادی به دست آمده است که او را با سربند شاهی نشان می‌دهد. بنا بر اسناد و مدارک موجود قلمرو حکومت دمتریوس محدود‌های از جنوب هندوکش را دربر می‌گرفت. او با استفاده از تدبیر و کیاست مناندر^(۴)، سردار معروفش، توانست متصرفات خود را در این بخش توسعه داده و بر بخش غربی هند دست یابد. پیروزی‌های دمتریوس در هند بر روی سکه‌های وی تأثیر گذاشته است به طوری که در این دوره نمادهای هندی شرقی به تدریج بر روی سکه‌های باختری نمایان می‌شوند. این نمادها تصاویری تقلیدی از سر و خرطوم فیل است و این امر نشان می‌دهد که فیل تا این زمان در جنگ‌های شاهان باختر هنوز جایگاهی نداشته و از این دوره به بعد در سپاه باختر راه پیدا کرده است (دیاکونوف، ۱۳۸۰: ۱۹۸).



سکه‌های زیادی از دمتریوس باقی مانده است و آنها را می‌توان به دو دسته مجزا چون سکه‌های نقره‌ای و سکه‌های مسی تقسیم کرد. در سکه‌های نقره‌ای سر شاه در سمت راست به همراه یک سربند و کلاه خود به صورت یک فیل منعکس شده است. در پشت سکه هراکلس ایستاده است و در دست چپ او گرز و پوست و بر سرش یک تاج گل قرار دارد. در نمونه دیگر از سکه‌های نقره‌ای دمتریوس سر شاه مانند سکه‌های قبلی است؛ اما او با لباس زمخت و خشن است و در پشت سکه، تصویر هراکلس به صورت ایستاده نشان داده شده است. یکی از ویژگی‌های سکه‌های دمتریوس، وجود خط‌های یونانی و کپروشتی است که جلوه خاصی به سکه‌ها می‌بخشد (Whitehead, 1914:5). در سکه‌های مسی سر شاه در سمت راست قرار دارد و در حالی که برهنه است، تاج بزرگی بر سر دارد و انتهای گرز بر روی دوش چپش قرار گرفته است و در پشت سکه چهره آپولون مصور شده که در این تصویر لباس کمی به تن دارد و روبرو ایستاده و سرش نورانی است. آپولون در این تصویر دست راستش را بالا برده و دست چپ او به طرف پایین آویزان است و در دستش کمانی دارد، اگرچه در سکه‌ها از نمونه‌های متفاوتی استفاده شده است، سکه‌های او از جهتی شبیه به سکه‌های اوتیدموس می‌باشد و این امر نشان می‌دهد که آنها از یک خانواده هستند (Jenkins, 1954/19:15).

با بررسی سکه‌های این دوره می‌توان وجود نمادها و الگوهای هندی چون سر و خرطوم فیل را در سکه‌های باختر مشاهده نمود. حاکمیت دربار باختر در هند با حکومت مناندر ادامه یافت. مناندر در بخش شرقی رودخانه سند حکومتی را تشکیل داد که بعدها همسر و فرزندانش عهده‌دار آن شدند. ضرب سکه‌های دوره او به کلی با شاهان اول باختر متفاوت است. به طوری که در تصویر زیر دیده می‌شود، سکه‌ها به صورت دوزبانه آراسته شده‌اند که تا حدی از راه‌یابی زبان‌های محلی و رسمیت یافتن آنها در دربار باختر خبر می‌دهد. از ویژگی‌های این دوره راه‌یابی تصویر زنان دربار در سکه‌ها است که با تصویر خدایان یونانی در پشت سکه‌ها تلفیق شده‌اند.



۴. سکه و روند ضرب آن در دوره اضمحلال و سقوط حکومت

جایگاه اُکراتیدس به عنوان پادشاه باختر بعد از دمتریوس کاملاً مشخص شده است و نشان می‌دهد که او هیچ‌گونه خویشاوندی با اوتیدموس ندارد؛ درحالی که برخی معتقدند او فرزند لائودیسه و دمتریوس است. سلطنت اُکراتیدس با سلطنت و پادشاهی مهرداد اول اشکانی (ششمین اشک) بین سال‌های ۱۳۵ - ۱۶۰ ق.م در ایران مقارن بود. در این دوران باختر با موج جدیدی از توسعه‌طلبی مهرداد اول اشکانی مواجه گردید. مهرداد اول به بهانه حمایت از دمتریوس شاه مقتول باختری به منظور کوتاه کردن دست غاصب از حکومت به قلمرو

باختر حمله کرد. در زمان پادشاهی اُکراتیدس شواهدی دال بر ضرب سکه در فتوحات هندی وجود دارد. اُکراتیدس توانست قلمرو خود را از منطقه پاراپامیزاد به طرف مرزهای هند گسترش دهد، به طوری که بعد از مدتی سیادت و سروری خود را بر باختر تثبیت نماید. (Strabo, 1961/2: 253) بنا بر اسناد و شواهد تاریخی دو شاهنشاهی باختر و پارت خود را برای جنگ با سکاها آماده کردند. درگیری‌های متعدد دمتریوس در جنوب برای دفع سایر مدعیان حکومت، همچنین مقابله با موج حملات سکاها در شمال و درگیری‌های درونی دربار و اغتشاشات حاشیه‌ای موجب شد تا باختر بیش‌ازپیش قدرت و توانایی خود را از دست بدهد و زمانی که اُکراتیدس به قدرت رسید، حکومت باختر از دیدگاه دور تمدنی در مرحله سقوط و اضمحلال قرار داشت.

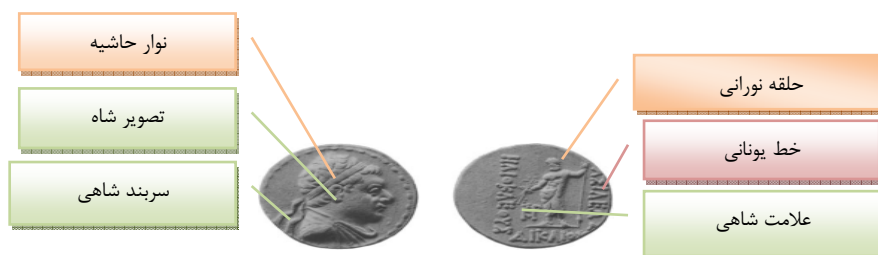


از اُکراتیدس سکه‌های زیادی در نزدیکی کوه‌های پاراپامیزاد پیدا شده است. سکه‌هایی که در شمال یافت شده، اساساً سکه‌های نقره‌ای هستند که شماری از آنها بر سر راه تجاری شرق به غرب به دست آمده است و بخش دیگری از این سکه‌ها از منطقه «کهندز» (Kunduz) یا «قهندز» و همچنین نزدیکی کوه‌های کابل به دست آمده است. بیشتر مسکوکات مسی - که تعداد آنها به بیش از صد قطعه می‌رسد - از منطقه بگرام کشف شده است (Wilson, 1842:237). شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهد در سکه‌های نقره‌ای و مسی، شاه کلاه‌خود بر سر دارد و در پشت سکه سربازانی سوارکار در حال حمله تصویر شده‌اند که با نوشته‌ای همراه شده است. بر روی سکه‌های کوچک نقره‌ای و همچنین سکه‌های کوچک مسی سربازان با کلاهی دراز (همانند کلاه اسقفان - یا طیار) در حال حرکت نشان داده می‌شوند. بر روی تعدادی از سکه‌های نقره‌ای^(۵) (Browne, 2003: 212) شاه به جای اینکه کلاه‌خود بر سر داشته باشد سربندی بر سر دارد و در پشت سکه تصویر آپولون قرار گرفته و نوشته‌ای به صورت عمودی به دو خط و به زبان یونانی بر روی سکه نقر شده است. (Wilson, 1842:237) تعدادی از این سکه‌ها همان سر را دارند، اما تصویر سربازانی با کلاهی شبیه کلاه اسقف‌ها (مثل طیار) در پشت سکه ضرب شده است. چنان‌که از شواهد سکه‌شناسی برمی‌آید، این نوع کلاه یا کلاه‌خود را اُکراتیدس دوم پسر اُکراتیدس اول مورد استفاده قرار داده است. ساخت سکه‌های دوره اُکراتیدس تقریباً نسبت به سایر سکه‌های شاهان باختر متفاوت‌تر است؛ چرا که این سکه از لحاظ عنوان، بزرگی و همچنین وجود سربازان به همراه کلاه، نشان از روند توسعه‌طلبی حکومت باختر و گذر از مرحله ثبات به مرحله پیش‌روی و گسترش مرزها دارد. (Chase 1948/46:41 - Jenkins, 1954/19:15) تا زمانی که با نخستین سکه‌های اُکراتیدس در هند برخورد نشده بود، هیچ‌گونه شواهد و مدارکی از توسعه‌طلبی و پیروزی اُکراتیدس در هند وجود نداشت. با بررسی این سکه می‌توان دریافت که این سکه‌ها با ویژگی‌های هندی و نوشته‌های متعدد ضرب شده است و در اصل می‌توان دوره اُکراتیدس را دوره اوج سکه‌ها از هر حیث دانست که با سقوط دولت او تمامی سکه‌ها ویژگی‌های اختصاصی خود را از دست می‌دهند. در سکه‌های نقره‌ای، تصویر اُکراتیدس

به صورت برهنه و در حالی که تاجی بر سر دارد مصور شده است. در سکه‌های نقره‌ای، چنان‌که دیده می‌شود، سر شاه در سمت راست با کلاه‌خودی مصور شده است که بر روی آن طرحی از معابد به همراه گوش و شاخ یک گاو نر نشان داده شده است. در سکه‌های دیگر سر شاه مانند تصاویر سایر سکه‌ها مصور شده‌اند و در پشت سکه‌ها تصویر سوارکاران آمادهٔ حمله وجود دارد. در سکه‌های نقره‌ای دیگر سر شاه در سمت راست قرار دارد و شاه فقط یک کلاه بر سر و یک لباس خشن بر تن دارد، پشت سکه تصویر آپولون به صورت روبرو ایستاده را نشان می‌دهد. در سکهٔ نقره‌ای دیگری از اُکراتیدس، تصویر پدر و مادرش در یک طرف سکه و در طرف دیگر تصویر خودش مصور شده است. (Babelon, 1887:81) سکه‌های مسی اُکراتیدس به صورت گرد و در اندازهٔ متوسط ضرب شده‌اند، بر سر شاه کلاه‌خودی قرار دارد و سر شاه در سمت راست سکه واقع شده و در پشت سکه سوارکاران در حال حمله با کلاه اسقفی (طیار) تصویر شده‌اند و در برخی از این سکه‌ها معمولاً نوشته‌هایی دیده می‌شود (Wilson, 1842:238). نوع دیگر از سکه‌های مسی اُکراتیدس چهارگوش است. در این نوع سکه‌ها سر شاه با تاج در سمت راست قرار دارد و در پشت سکه سوارکاران در حال حمله تصویر شده‌اند. تعداد چهار قطعه از این نوع سکه در منطقه بگرام پیدا شده است که تا حدی اهمیت و میزان فعالیت شهر بگرام در این دوران را نشان می‌دهد. این سکه‌ها در نمونه‌ها، شکل، الگو و اندازه متفاوت ضرب شده‌اند.

در سکه‌های چهارگوش اُکراتیدس، شاه کلاخودی بر سر دارد و تصویر شاه در سمت راست واقع شده و در پشت سکه شاه در حالی که ایستاده است در دستش شاخه‌ای از نخل خرما وجود دارد که نشان پیروزی او در جنگ است. در طرف دیگر سکه در قسمت پایین در زیر پای اُکراتیدس سمت چپ، سر یک فیل مصور شده است (Wilson, 1842:238, 239). سکه‌های به دست آمده از اُکراتیدس تا حدی اوضاع پایانی حکومت یونانی باختر در غرب و شرق را نشان می‌دهد و تا حدی درگیری‌های آن را در تمامی مرزهای کشور منعکس می‌سازد. یکی از ویژگی‌های سکه‌های عصر اُکراتیدس ظهور چهرهٔ زنان دربار بر روی سکه‌ها است و معمولاً سکه به صورت دو تصویر است که در یکی از آنان تصویر زنان درباری و در طرف دیگر آن تصویر خدایان یونانی متجلی می‌شود. بعد از مرگ اُکراتیدس فرزند او یعنی هلیوکلس در رأس قدرت قرار می‌گیرد. چنان‌که از مستندات تاریخی برمی‌آید در این دوره حکومت باختر از آشفتگی‌های سیاسی زیادی برخوردار است؛ به طوری که شاه توانای حل مشکلات باختر را ندارد.

با نگاهی کلی به اوضاع باختر در این دوره و همچنین با تحلیل ساده سکه‌ها و بررسی ابعاد آن از قبیل طرح، نوع، جنس، شکل، اندازه، معیار سکه‌ها، خط و زبان می‌توان گفت حکومت باختر در این دوران به مرحلهٔ پایانی که در نظریهٔ ظهور و سقوط تمدن‌ها مطرح شده، نزدیک است. از هلیوکلس همانند اسلافش دو نوع سکه باقی مانده است. یک دسته از این سکه‌ها نقره‌ای و دسته دیگر مسی است که با نوشته همراه هستند. کلمات روی سکهٔ مسی به درستی و تمیزی کلمات نقره‌ای نیست و بر روی یکی از سکه‌های نقره‌ای، نامی ظاهراً «لیسی آسا» (Lisiasa) نوشته شده است، این کلمه از لحاظ لغوی دارای معنی مبهمی است و ظاهراً مشخص نیست به چه منظوری به کار گرفته شده است.



منابع در مورد هلیوکلس با عنوان جانشین اُکراتیدس خاموش هستند. سکه‌های به‌جای‌مانده از هلیوکلس در کل به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته از سکه‌های نقره‌ای و دسته دیگر سکه‌های مسی هستند؛ در سکه‌های نقره‌ای سر شاه با کلاه‌خود و سربند در سمت راست تصویر شده است و در پشت سکه تصویر مرد و زنی وجود دارد که سربندی بر سر ندارند و نیز لباس آنها از چرم است. این سکه‌ها بسیار زیبا و بی‌نظیر هستند. سر شاه در سمت راست با سربند و لباس چرمی یا کتان تصویر شده و در پشت سکه زئوس به صورت ایستاده روبرو درحالی‌که در دست چپش یک نیزه و عصا سلطنتی و در سمت راست آن حلقه‌ای نورانی قرار دارد. در نوع دیگر از سکه‌های نقره‌ای هلیوکلس سر شاه با سربند و تصویر شاه در سمت راست قرار گرفته و در پشت سکه، تصویر زئوس مصور شده است، درحالی‌که، در یک دستش نیزه و در دست دیگرش حلقه‌ای نورانی قرار دارد. از جمله سکه‌های دیگر هلیوکلس سکه‌های چهارگوش او است که به شکل جالبی ضرب شده‌اند. این سکه‌ها در اندازه‌ای متوسط است و شاه با سربند و لباسی گشاد در سمت راست قرار گرفته و در پشت سکه تصویر فیلی در چپ نقر شده است.

در سکه‌های مسی چهارگوش هلیوکلس، تصویر فیلی در سمت راست سکه ضرب شده و پشت سکه خالی از تصویر است. تصویر شاه در یک طرف و در طرف دیگر تصویر خدایان یونانی است و به خط یونانی و کهروشتی یا به خط هندی و کهروشتی تزئین شده است. با تضعیف حکومت باختر در این عصر سکه‌های طلا، نقره و مس به‌تدریج جای خود را به سکه‌های کم‌ارزش‌تری دادند و شکل آنها از حالت گرد به نیم‌گرد و مصور با نوشته تغییر یافت و به تدریج به صورت چهارگوش مصور همراه با نوشته ولی بدون ظرافت و صیقل داده نشده و عاقبت بدون تصویر و نوشته درحالی‌که فقط به یک عکس مبهم بسنده شده است، تغییر شکل داد.

بعد از حمله سکاها به باختر روند ضرب سکه در متصرفات هندی مناندر و اسلافش چون همسر و دو فرزندش استراتو اول و دوم ادامه یافت، (Jenkins, 1954/19:15) به‌طوری‌که از شواهد باستان‌شناسی برمی‌آید این سکه‌ها در دوره پایانی حکومت یونانی باختر با افت محسوس از تمامی جهات مواجه گردید. (Gupta, 1968:350)



۵. نتیجه

با بررسی اجمالی سکه‌ها می‌توان دریافت، تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در روند رشد و توسعه سکه‌ها تأثیر به‌سزایی داشته است. ساختار سیاسی حکومت باختر بعد از شکل‌گیری هر قدر رو به توسعه و ثبات و به دنبال آن رو به کمال می‌رود، طرح، نوع، جنس، شکل، اندازه، معیار سکه‌ها، خط و زبان آن تغییر می‌یابد، چنانکه در دوران اوتیدموس، دمتریوس و اُکراتیدس این تحول در سکه‌ها به خوبی دیده می‌شود. بهترین نمونه از این نوع سکه‌ها با طرح‌های بسیار زیبا در دوره دوم حکومت باختر ظهور می‌یابد که نشان از حاکمیت مقتدر و ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی دارد. به طوری که این رویه تا حدی با نظریه ظهور و سقوط تمدن‌ها با الگوی نظری دوری ابن‌خلدون و سیر خطی توین‌بی مطابقت دارد. این امر نشان می‌دهد که جامعه ساده و ابتدایی باختر با تأثیر و تأثر از سایر تمدن‌ها و حکومت‌ها به جامعه پیچیده مبدل شده و نیاز دارد تا مؤسسات و بنیاد جدیدی ساختارهای حکومت را تغییر دهند و آن را به سوی کمال هدایت نمایند. چنانکه بعد از اُکراتیدس با ظهور هرج‌ومرج سیاسی و آشفتگی‌ها در ساختار اقتصادی و اجتماعی و همچنین با حمله سکاها، درگیری‌های داخلی، جدایی‌طلبی ایالات و ولایات، شکل، نوع، جنس و طرح سکه‌ها تغییر می‌یابد و سکه‌ها از حالت گرد به صورت نیمه‌گرد و بعدها چهارگوش تغییر شکل می‌دهند و نوع فلزات از فلزات گران‌بها به فلزات پایین‌دست و بی‌ارزش چون مس تغییر می‌کند و شکل و اندازه سکه‌ها از بزرگ به متوسط و از متوسط به کوچک‌تر و از حیث نقش و نگار و ظرافت، به زمختی و بی‌ریختی و ناهموار سوق پیدا می‌کنند. به طوری که سکه‌ها در دوران پایانی حکومت یونانی باختر سکه‌هایی به صورت ناخوانا، زمخت، کوچک، ناهموار، گاهی اوقات تک‌تصویر، گاهی دو‌تصویر - شاه و همسران درباری - گاهی فقط سر شاه و گاهی تصاویر گمنام و مبهم، و از لحاظ نگارشی گاهی بدون خط و گاهی با آشفتگی در خطوط ظهور پیدا می‌کنند که تا حدی بیان‌گر ناکارایی حکومت، پایین‌آمدن سطح درآمد ملی، افول اقتصادی، عدم رشد نقدینگی و تولید ثروت است که در مقایسه با سکه‌های دوران دیودوتوس اول، دیودوتوس دوم، اوتیدموس، دمتریوس و اُکراتیدس در سطح بسیار پایین‌تری قرار می‌گیرند.

پی‌نوشت

۱. به این معنی که هر سکه یک درهمی ۲/۴ گرم و هر سکه سه درهمی ۹/۸ گرم وزن داشتند.
۲. خدای آسمان در اساطیر یونانی.
۳. پهلوان اساطیری یونان
۴. سردار سپاه باختر
۵. وزن و سنگینی سکه‌های نقره‌ای را در حدود ۲۳۳/۷۵ گرم ارزیابی کرده‌اند و برخی معتقدند که این وزن بین ۳/۷۳ گرم و برخی دیگر آن معادل ۷/۵۵ گرم می‌دانند.

منابع

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۴۵). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و مرکز نشر کتاب.
 برنارد، پل. (۱۳۷۴). قلمرو یونان در آسیای مرکزی، (تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی)، ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی، تهران، وزارت امور خارجه.

دیاکونوف، م. م. (۱۳۸۰): *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران، علمی و فرهنگی.
 فاضل، محمد. (۱۳۲۸): تأثیر تمدن یونان بر آریانا دیروز افغانستان امروز، مجله آریانا، شماره ششم، سال هفتم.
 کهزاد، احمدعلی. (۱۳۸۴): *تاریخ افغانستان*، کابل، میوند.

Babelon, E.(1887). Review of Greek and Roman, *Numismatics Archaeological Institute of America*.

Browne, G. M. (2003). *Bayer's Coin of Eucratides*, Germany Bonn, Zeitschrift für Papyrologie und epigraphic.

Chase, G. H. (1948). Three Hellenistic Coins, *Bulletin of the museum of fine arts*, Boston, Vol, 46.

Comstock, M.B. (1969). Masterpieces of Greek Coinage, Boston, *Museum of Fine Arts*, Boston Museum Bulletin, Vol. 67, No. 349.

Gardner. P. (1914). *The Coins of the Greek and Scythic King of Bactria and India in The British Museum*, London, P, by order of the Trustees.

Garganath, B. (1920). *Hellenism in ancient Indian*, London, Butter worth.

Gupta, C.C.D. (1968). On a New Type of Brahmi JA Inscribed on Some Ancient Indian Coins, Cambridge University Press, *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, No.2.

Jenkins, G.K.(1954). Greek and Greco-Indian Coins from the Haughton Collection, London, *British Museum*, The British Museum Quarterly, Vol,21, No, 3,

Kovalenko, S. (1995- 1996). The Coinage of Diodotus I and Diodotus II, Greek kings of Bactria, *Silk road art and archaeology*.

Kritt, B.(2007). *Dynastic Transitions in the Coinage of Bactria. Antiochus Diodotus Euthydemus*, Lancaster, PN: Classical Numismatic Group.

Kurt, W. (1943). Three "Bactrian" Silver Vessels with Illustrations from Euripide, *The Art Bulletin*, Vol. 25, No. 4.

Madonald, G. (1907). Early Seleucid Portraits, *The Society for the promotion of Hellenic studies*, Vol, 27.

Madonald, G.(1903). Early Seleucid Portraits, *The journal of Hellenic studies*, Vol, 23.

Michener, M. 1975. *Indo – Greek and – Scythian Coinage*, London, Hawkins.

Narain, A.k. (1957). *The Indo-Greek*, London, Oxford.

Ramsey, G, C. (2005). *Kingship in Hellenistic Bactria*, Regina, university of Regina.

Rapson, E.J. (1962). *The Cambridge History of India*, Jullunder Bombay, Delhi – New Delhi.

Rawlinson, H.G. (1969). *Bactria the History of A forgotten Empire*, America, Manufactured in The United States of America.

Sehayler. V.R. C.(1958). The Bactrian Nickel theory, *American Journal of archaeology*, archaeological, Institute of America, Vol, 62 No. 4.

Selby, W.J. (1853), *Justin History the World extracted From Trogus pomeius*, translated with notes and a General index by, Henry .G. Bohn, London, York Street Covent Garden.

Strabo, (1961). *The Geography*, William Heinemann, London, Horace Leonard, Jon's.

Tarn, w.w. 1966. *The Greek in Bactria and India*, London, Cambridge .

Whitehead, R.B.(1914). *Catalogue of Coins in the Panjab Museum*, Lahore, Oxford, at the Clarendo Press, Vol, 1 .

Wilson, H.H.(1842). *Ariana. Antique Antiquities and Coins Afghanistan*, London, King'shead Court Goughs Quars.